

بسم الله الرحمن الرحيم. اللهم كُنْ لَوْلَيْكَ الْحُجَّةُ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلى آبائِهِ فى هَذِهِ السَّاعَةِ وَفى كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَعَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ. عرض ادب و سلام دارم محضر برادران و خواهران مؤمن؛ ایام سوگ شهادت بانوی بی‌مانند تاریخ اسلام، حضرت اُمّ‌الأنمّه صِدِّيقَةُ کبری فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها را تسلیت می‌گویم و از خدای کریم مسئلت دارم که نام ما و خاندان‌مان را در دنیا و آخرت در زمره محبّان ایشان ثبت فرماید. در پی‌گفتارهای پیشین از خطبه ۱۷۴ نهج‌البلاغه گفتیم که محورش سفارش به قرآن و ستایش قرآن است: این کتاب، نصیحت‌گری است که هرگز فریب نمی‌دهد، هدایت‌گری است که گمراه نمی‌سازد، و سخن‌گویی است که دروغ نمی‌گوید؛ هیچ‌کس با قرآن همنشین نشد مگر آن‌که با «زیادتی یا نقصانی» از آن برخاست: یا فرونی در هدایت یافت، یا کاستی در کوردلی و نابینایی‌اش پدید آمد. بدانید که بی‌قرآن غنا نیست و با قرآن فاقه نیست؛ هر که قرآن دارد و خود را فقیر ببیند، ناسپاسی نعمت خدا کرده است. درمان دردهایتان را از قرآن بجوید و در گرفتاری‌ها به آن پناه برید؛ در این کتاب شفای چهار بیماری بزرگ بشر است: کفر، نفاق، سرکشی و گمراهی (وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ). با قرآن خدا را بخوانید و آن را وسیله تقرب قرار دهید (وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ). مبدا قرآن را وسیله کسب و نام و سوداگری کنید؛ هدف از تلاوت و تعلیم، جلب محبت خداست نه جلب خلق. هیچ وسیله‌ای چون قرآن بندگان را به خدا نزدیک نمی‌کند. قرآن در قیامت شفیعی است که شفاعتش پذیرفته می‌شود و گواهی است که تصدیق می‌گردد؛ هر که را قرآن شفاعت کند، مقبول درگاه خواهد بود، و هر که را نکوهش کند، همگان نکوهش قرآن را تصدیق می‌کنند. آن روز ندا می‌آید: همه دروگران به محصول عمل خویش گرفتارند مگر «کشتگران قرآن»؛ پس از کشتگران و پیروان قرآن باشید، با نور قرآن راه خدا را بجوید، قرآن را پنددهنده راستگوی جان خویش برگزینید، رأی‌ها و نظرهایتان را بر خطکش قرآن عرضه کنید؛ هرچه موافق قرآن است بپذیرید و هرچه مخالف است رها کنید (قَدْ تَرَكَتُ فِیْكُمْ مَا إِن تَمْسُكْتُمْ بِهِ لَأَنْ تُضِلُّوا بَعْدِي: كِتَابُ اللَّهِ وَعِزَّتِي، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ). اهل‌بیت علیهم‌السلام فرمودند: سخن ما را با قرآن بسنجید؛ اگر سازگار بود بگیرید و اگر نبود به دیوار بزنید (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ). در میدان تهذیب نفس نیز تکیه‌گاه، قرآن است؛ نفس پیوسته به بدی فرمان می‌دهد مگر آن‌که پروردگار رحمت آورد (إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي)، و بالاترین مظهر این رحمت، حقایق قرآنی است. سپس امیرالمؤمنین علیه‌السلام به بخشی از ادبیات عمل‌گرای نهج‌البلاغه اشاره می‌کنند: «الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ النَّهَايَةُ النَّهَايَةُ، وَالْإِسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ، ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ، وَالْوَرَعُ». پنج رکن راه: کار، به‌پایان‌رساندن کار، استقامت، صبر، و ورع. کار میزان الهی است (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى). اما تنها «عمل صالح» بالا می‌رود (إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ) و قبولی عمل شروطی دارد (إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ). که زیانکارترینان آنانند که می‌پندارند کار نیک می‌کنند و حال آن‌که تلاششان تباه شده است (قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ...؛ الکهف ۱۰۴-۱۰۳). دوم، «نهایت»: کار را کسی کرد که تمام کرد؛ آفت مزمن جامعه، کارهای نیمه‌تمام است. سوم، «استقامت»: راه هدف موانع دارد؛ مؤمن چون کوه استوار است؛ با پایداری، نصرت الهی رقم می‌خورد (وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ؛ هود ۱۱۲). چهارم، «صبر»: نگهداری مسیر در برابر جاذبه‌ها و دافعه‌ها؛ صبر بر طاعت، صبر از معصیت، صبر بر مصیبت؛ نسبت صبر به ایمان همچون نسبت سر به تن است؛ بی‌صبر، ایمان بی‌جان است (وَجُزُوا بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا؛ وَسَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ). پنجم، «ورع»:

مرتبه‌ای فراتر از تقوا؛ نه فقط ترک گناه، که دور ایستادن از حاشیه گناه؛ راه بندگی جز با ورع هموار نمی‌شود. و بدانید که برای شما نهایی معین است، پس در راه نمانید و به مقصد برسید؛ برای شما نشانه‌ها و علائم راه هست، پس به نشانه‌ها تمسک کنید؛ اسلام غایتی روشن دارد: ساختن انسانِ موحدِ اهلِ عمل و ورع. در پایان، به بهانه این ایام، کلامی کوتاه در شأن صدیقه طاهره علیها السلام: حقیقت فاطمه حقیقتی است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله او را محور معرفی اهل‌بیت قرار داد؛ در حدیث کساء، تعریف با نام فاطمه است. پیامبر درباره ایشان فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لِرِضَا فَاطِمَةَ وَيَغْضَبُ لِعُصْيَانِهَا»؛ رضای خدا تابع رضای فاطمه است و غضب خدا تابع غضب او. و درباره علی علیه‌السلام نیز فرمود: «عَلَى مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُ مَا دَارَ»، و این هر دو در امتداد قرآن‌اند؛ سه معجزه هم‌سنخ: کتابِ ناطق، و دو انسان قرآنی. پیام وحی این است: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (الإنشاق ۶)؛ راه رسیدن، همین پنج رکن است: عمل، اتمام، استقامت، صبر، ورع. اللهم صلّ على محمد وآل محمد وعجل فرجهم، وارزقنا توفيق التلاوة والعمل بالقرآن، وحسن الخاتمة.